

بسمه تعالی

ریاست محترم دیوان عالی کشور با سلام و تحیات وافره

احتراماً، در اجرای بندهای «ج» و «چ» ماده ۴۷۴ قانون آئین دادرسی کیفری، به وکالت/به عنوان محکوم‌علیه‌م پرونده، بدین‌وسیله مبادرت به تقدیم دادخواست تجویز اعاده دادرسی نسبت به دادنامه قطعی شماره صادره از شعبه ۶۷ دادگاه تجدیدنظر استان تهران (موضوع پرونده کلاسه ۹۴۰۹۹۸۰۲۸۲۶۰۰۱۰۷) که بر اساس آن موکلین به تحمل مجازات حبس، جزای نقدی و رد مال محکوم گردیده‌اند، نموده و به شرح ذیل معروض می‌دارد:

بخش اول: انطباق درخواست با جهات قانونی اعاده دادرسی (بندهای «ج» و «چ» ماده ۴۷۴)

۱. انطباق با بند «ج» (کشف سند جدید مکتوم در جریان دادرسی): پس از صدور حکم قطعی، اسناد و مدارکی تحصیل گردیده که در جریان دادرسی مکتوم بوده و دسترسی به آن‌ها مقدور نبوده است. این اسناد شامل پاسخ استعلامات رسمی ثبتی و شهرداری مربوط به سال ۱۳۸۶ است. این پاسخ‌ها صراحتاً اثبات می‌نمایند که فرایند انتقال رسمی ملک، سال‌ها پیش از معامله موضوع دعوی (سال ۱۳۹۰) آغاز شده و وضعیت ثبتی پلاک موصوف کاملاً شفاف بوده است. با کشف این اسناد، مبنای دادگاه مبنی بر «پنهان‌کاری یا فریب خریدار» کاملاً سالبه به انتفای موضوع می‌گردد.

۲. انطباق با بند «چ» (عدم تناسب مجازات و عدم انطباق عمل انتسابی با عنوان مجرمانه): مفاد مبایعه‌نامه تنظیمی، آرای صادره از محاکم حقوقی (از جمله دادنامه شعبه ۱۲ تجدیدنظر) و همچنین نقش متمایز محکوم‌علیه آقای محمد سیاپوش (که صرفاً به عنوان وکیل رسمی اقدام نموده)، همگی دلالت بر خروج موضوعی رفتار انتسابی از عنوان مجرمانه «کلاهبرداری» یا «انتقال مال غیر» دارند. عدم تفکیک بین مسئولیت حقوقی ناشی از قرارداد و مسئولیت کیفری، منجر به اشتباه در تطبیق عمل با قانون و عدم تناسب مجازات تعیین‌شده گردیده است.

بخش دوم: دفاعیات و استدلال‌های تخصصی در ماهیت امر

اول: فقدان رکن مادی جرم کلاهبرداری (عدم توسل به وسایل متقلبانه و شفافیت سابقه ملک)

برخلاف استدلال دادگاه محترم بدوی و تجدیدنظر که وقوع معامله در سال ۱۳۹۰ را بر مبنای فریب خریدار فرض کرده‌اند، اسناد مکشوفه مربوط به سال ۱۳۸۶ (پاسخ استعلامات ثبتی و شهرداری) نشان می‌دهد که وضعیت ملک از منظر شهرداری و ثبت، پیش از معامله کاملاً معین و رسمی بوده است. دادگاه محترم به این موضوع توجه ننموده که خریدار با علم و اطلاع از سوابق ملک و وضعیت آن اقدام به معامله نموده است. در جرم کلاهبرداری، «اغفال و فریب قربانی» عنصر اصلی رکن مادی است؛ در حالی که وجود استعلامات رسمی پیشین و جریان داشتن پرونده‌های ثبتی، هرگونه ادعای پنهان‌کاری یا فریب را منتفی می‌سازد و رابطه علیت بین رفتار موکلین و بردن مال خریدار را مخدوش می‌نماید.

دوم: منتفی بودن سوءنیت خاص (شرط مشروط ثمن معامله و دادنامه شعبه ۱۲)

بررسی مفاد قرارداد فی‌مابین نشان می‌دهد که پرداخت بخش اعظم ثمن معامله (مبلغ ۲۸۰ میلیون تومان از مجموع ۳۰۰ میلیون تومان) منوط و مشروط به انتقال رسمی سند و رفع موانع اداری گردیده بود. این شرط صریح قراردادی نشان‌دهنده آن است که طرفین با آگاهی از موانع ثبتی اقدام به تراضی نموده‌اند. علاوه بر این، دادنامه صادره از شعبه ۱۲ دادگاه تجدیدنظر استان تهران صراحتاً بر جنبه حقوقی اختلافات طرفین و لزوم ایفای تعهدات قراردادی تأکید دارد. وقتی ثمن معامله تا زمان انتقال سند توثیق یا معلق می‌شود، قصد تصاحب مال غیر (سوءنیت خاص) اساساً شکل نمی‌گیرد و قضیه صرفاً یک اختلاف ترافعی حقوقی ناشی از عدم انجام تعهد است، نه یک رفتار مجرمانه واجد جنبه کیفری.

سوم: تفکیک مطلق مسئولیت کیفری وکیل رسمی از مالک ملک (موقعیت خاص آقای محمد سیاپوش)

یکی از اساسی‌ترین اشکالات دادنامه معترض‌عنه، تسری مسئولیت کیفری مالک به وکیل (آقای محمد سیاپوش) است. موکل مذکور صرفاً بر اساس وکالت‌نامه رسمی اعطایی و در حدود اختیارات قانونی وکیل، اقدام به امضای اسناد نموده است. در حقوق کیفری، اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری مانع از آن است که اقدامات اداری و قراردادی یک وکیل بدون احراز علم، عمد و سوءنیت مجزای وی، مجرمانه تلقی شود. آقای محمد سیاپوش هیچ‌گونه نفع شخصی یا

تصاحب مالی در این فرایند نداشته و صرفاً مجری نیابت قانونی بوده است. تفکیک نکردن نقش وکیل از مالک در دادنامه قطعی، مغایر با اصول مسلم دادرسی عادلانه و اصل تفسیر مضیق قوانین جزایی به نفع متهم است.

بخش سوم: خواسته و استدعا

بنا به مراتب فوق و با توجه به اینکه اسناد ابرازی جدید و همچنین مستندات قراردادی و حقوقی همگی دلالت بر فقدان عناصر مادی و معنوی جرم کلاهبرداری در رفتار موکلین دارند، رسیدگی به پرونده بر مبنای شواهد موجود واجد اشکالات اساسی قانونی است.

لذا مستنداً به بندهای «ج» و «چ» ماده ۴۷۴ قانون آئین دادرسی کیفری، استدعای رسیدگی، صدور قرار قبول اعاده دادرسی و ارجاع پرونده به شعبه هم‌عرض جهت رسیدگی مجدد و در نهایت نقض دادنامه فوق‌الذکر و صدور حکم بر برائت موکلین را دارد. همچنین به منظور جلوگیری از تضییع بیشتر حقوق موکلین و با توجه به تبعات اجرای حکم مجازات قطعی، مستنداً به ماده ۴۷۶ قانون مذکور، صدور دستور توقف اجرای حکم تا تعیین تکلیف نهایی درخواست اعاده دادرسی مورد تمناست.

با تقدیم احترام متقاضیان اعاده دادرسی (قدرت‌الله و محمد سیاپوش)

فهرست پیوست‌ها و ادله ابرازی:

1. تصویر دادنامه قطعی معترض‌عنه (شعبه ۶۷ دادگاه تجدیدنظر استان تهران)
2. پاسخ استعلامات رسمی ثبتی و شهرداری سال ۱۳۸۶ (سند جدید مکتوم)
3. تصویر مبایعه‌نامه سال ۱۳۹۰ و شروط ناظر بر پرداخت ثمن معامله
4. تصویر دادنامه حقوقی شعبه ۱۲ دادگاه تجدیدنظر استان تهران
5. وکالت‌نامه رسمی آقای محمد سیاپوش (موضوع اثبات سمت وکالتی و تفکیک نقش)